

بررسی رابطه‌ی بین دینداری با بازده‌های تربیتی دانش‌آموزان مقطع متوسطه‌ی شهر قم

محمود سرمدی^۱

چکیده

دینداری و تربیت رابطه‌ی تنگاتنگی با یکدیگر دارند. در جامعه‌ی اسلامی ایران، دین محور تمامی برنامه‌ها و سیاستگذاری‌هاست و آموزش و پرورش، پیشروتر از سایر ارگان‌های فرهنگی - تربیتی، تربیت اعتقادی، سیاسی، علمی و آموزشی و زیستی دانش‌آموزان را هدف برنامه‌ریزی‌های استراتژیک و بلندمدت خود قرار داده است.

پژوهش حاضر نیز که به منظور بررسی میزان دستیابی به اهداف مذکور صورت گرفته، به روش پیمایشی در سطح دبیرستان‌های نواحی چهارگانه‌ی آموزش و پرورش شهر قم انجام شده است. در این پژوهش نمونه‌ی آماری شامل ۶۰۰ نفر دانش‌آموزان دبیرستانی (۳۲۰ دختر و ۲۸۰ پسر) بود که با استفاده از روش نمونه‌برداری خوشه‌ای تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ای محقق ساخته است که شامل ۱۰۲ سؤال برای سنجش متغیرهای اصلی پژوهش (یعنی دینداری و بازده‌های تربیتی) و نیز سؤال‌هایی مربوط به اطلاعات فردی پاسخگویان می‌شود.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و نیز از روش‌های آمار استنباطی مانند آزمون t و آزمون خی دو و تحلیل واریانس استفاده گردید. و در نهایت یافته‌های پژوهش بیانگر این امر بود که افراد نمونه از عقاید و باورهای دینی بسیار قوی برخوردار هستند، به طوری که نزدیک به ۱۰۰٪ پاسخگویان به وجود خداوند، عدالت خداوند، پیامبر اکرم ﷺ، وجود قیامت و پیروی از ائمه اطهار علیهم‌السلام اعتقاد دارند. ۸۶٪ آزمودنی‌ها نماز می‌خوانند و ۹۴٪ روزه می‌گیرند. ۹۷٪ بر رازداری و ۸۵/۵٪ بر وفای به عهد و قول و قرارها بیشتر تأکید دارند. ۸۱٪ آزمودنی‌ها به فداکاری در راه دفاع از میهن و ۷۴٪ به رعایت حقوق دیگران قائل بودند. از سوی دیگر بین تحصیلات و شغل پدر، ناحیه‌ی محل تحصیل، با دینداری رابطه‌ی مثبت معنادار و بین درآمد و هزینه‌ی خانوار با دینداری رابطه‌ی منفی معناداری وجود دارد. نکته‌ی جالب این که میانگین اغلب شاخص‌های دینداری و بازده‌های تربیتی دختران بالاتر از پسران به دست آمد.

کلید واژه‌ها: دینداری، بازده‌های تربیتی، تربیت دینی.



مقدمه

در زبان اوستایی ایران باستان «دین» به معنای شریعت و مذهب بوده است و پیروان دین خود را «به‌دینان» می‌خواندند (حجتی، ۱۳۶۸).

در فرهنگ‌نامه‌ها نیز «دین» به معنای: جزا، حساب، طاعت، ورع، قدرت و آنچه انسان بدان متدین و پای‌بند گردد و نیز به گونه‌ای استعاری برای شریعت استعمال می‌گردد (ابن‌منظور، ۱۹۹۶). همچنین به معنای پاداش، آیین پرستش خداوند تعالی، رسم و قانون، قهر و مسلط شدن آمده است (شعرانی، ۱۳۹۹ق). در قرآن کریم هم که لفظ «دین» حدود ۹۰ بار به کار رفته، بدین معانی است: جزاء و حساب، کیش و شریعت، دین اسلام، رسم و قانون، حکم و فرمان، دعا و عبادت، آیین یگانه‌پرستی (سرمدی، ۱۳۸۰).

تعریف دین

از دین تعریفی که مورد اتفاق همه‌ی محققان باشد، وجود ندارد؛ به گونه‌ای که برخی دانشمندان از «برج بابل تعاریف دین» سخن به میان می‌آورند (ویلیم، ۱۳۷۷).

تلاش برای تعریفی از دین، یعنی یافتن ماهیت متمایز یا شاید یگانه‌ی آن یا سلسله‌ای از صفات که دین را از بقیه‌ی زندگی انسان متمایز سازد، عمدتاً یک رویکرد و توجه غربی است... در غرب نیز در طی روزگاران آن‌قدر تعریف‌های فراوان از دین پدید آمده که حتی ارائه‌ی فهرست ناقصی از آنها غیرممکن است (الیاده، ۱۳۷۵). شکل یافتن تعریف روشنی برای دین در عرصه‌ی جامعه‌شناسی و رشته‌های مشابه و مرتبط دیگر، مبین این حقیقت است که چیزهای گوناگونی که ما در گفتارهای روزمره‌ی مان «دین» می‌نامیم، متنوع‌تر از آنند که به کارگیری مفهومی واحد بتواند همه‌ی آنها را در خود بگنجانند. یکی از فیلسوفان معاصر جهان غرب در این باره می‌نویسد: «برای دین تعاریف متعددی پیشنهاد گردیده است. برخی از این تعاریف مبتنی بر پدیدارشناسی هستند و می‌کوشند آنچه را که در میان کلیه‌ی صورتهای قابل پذیرش دین مشترک است، توضیح دهند؛ مانند تعریف دین به شناخت یک موجود فوق بشری که دارای قدرت مطلقه است و خصوصاً باورداشتن به خدا یا خدایان مشخص که شایسته‌ی اطاعت و پرستشند (فرهنگ آکسفورد). تعاریف دیگر عمدتاً به شرح و تفسیر این اصطلاح می‌پردازند، مانند این تعریف روان‌شناختی از دین: «احساسات، اعمال و تجربیات افراد در هنگام تنهایی، آنگاه که خود را در برابر هر آنچه که الهی می‌نامند، می‌یابند» (ویلیام جیمز).

تعاریف دیگر، جامعه‌شناختی هستند؛ مانند این تعریف: «مجموعه‌ای از باورها، اعمال، شعائر و نهادهای دینی که افراد بشر در جوامع مختلف بنا کرده‌اند» (تالکوت پارسنز). دیگری نیز می‌گوید: «دین اعتراف به این حقیقت است که کلیه‌ی موجودات تجلیات نیرویی هستند که فراتر از علم و معرفت ماست» (هربرت اسپنسر). و یا: دین پاسخی است به ندای الهی (هیگ، ۱۳۷۲). کانت هم می‌گوید: «دین قانون وجود ماست، در حدی که سلطه‌اش بر ما از قانگذار و داوری ناشی می‌شود؛ دین اعمال اخلاق در قلمرو معرفت باری تعالی است. اگر دین با اخلاق پیوندی نداشته باشد تنها به کوششی

برای جلب حمایت تبدیل می‌شود (شکوهی، ۱۳۷۴). اما مروری بر آثار دانشمندان مسلمان نشان می‌دهد که اکثر قریب به اتفاق ایشان (برخلاف دانشمندان غربی) تعریف واحدی از دین را مدنظر قرار داده‌اند (تعریف سنتی از دین). علمای دین برخلاف دانشمندان علوم اجتماعی و فیلسوفان دین، تعریف خود را متوجه کلیه‌ی ادیان ننموده و دایره‌ی تعریف خود را به دین اسلام محدود کرده‌اند؛ برای مثال، استاد مطهری (۱۳۶۲) منظور از دین اسلام، کلیه‌ی ادیان الهی از آدم تا خاتم است، چون بنابه استدلالی درون دینی، که متکی بر آیات قرآن کریم است، دین الهی در نزد خداوند یکی بیش نیست... و آن همانا دین اسلام است. علامه طباطبایی (۱۳۶۲) دین را مجموعه‌ی عقاید و یک سلسله دستورهای عملی و اخلاقی می‌داند که پیامبران از طرف خداوند برای راهنمایی و هدایت بشر آورده‌اند.

در تعریفی دیگر «دین اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورات عمل مناسب با این عقاید است» (مصباح یزدی، ۱۳۶۸).

براساس این تلقی از دین، ادیان بشری و اسطوره‌ای و غیرالهی اصلاً دین محسوب نمی‌شوند: «بت پرستی و انسان پرستی دین نیستند. بودیسم (آیین بودا) هم که خدا در آن مطرح نیست، دین نیست» (مصباح یزدی، ۷۷-۱۳۷۶).

برخی نیز هنگام ابراز نظر درباره‌ی اسلام و ادیان، دین را کتاب و سنت قطعی معرفی می‌نمایند (سروش، ۱۳۷۲).

اما دانشمند مسلمان دیگری نظر متفاوتی عرضه می‌کند: «مراد من از دین، مجموعه تعالیم و احکامی است که بنابر ادعای آورنده‌ی آن و پیروان وی، حاصل ذهن بشر نیست؛ بلکه برعکس دارای منشأ الهی است. خواه وحیانی باشد (مانند اسلام) و خواه عرفانی (مانند آیین بودا). اگر دین را به این معنا بگیریم، ادیان بزرگ روزگار ما عبارتند از: اسلام، مسیحیت، دین یهود، آیین هندو، آیین مائو، شینتو و زرتشت» (ملکیان، ۱۳۷۵).

با این حال می‌توان به استناد قرآن کریم، که از قول پیامبر اسلام ﷺ خطاب به مشرکان کفر پیشه‌ی مکه می‌فرماید: «لکم دینکم و لی دین» (دین شما برای شما و دین من برای من)، میان دو دیدگاه اخیر را جمع کرد، بدین صورت که دین بر دو گونه است: دین الهی (که مورد قبول و نجات‌بخش است) و دین بشری (غیرالهی).

ابعاد دین

تعریف‌های دین اغلب متوجه ابعاد آن است، به طوری که برخی دانشمندان مانند آلتون تعریف دین را وابسته به تشخیص آن می‌دانند. وی می‌گوید: «بهترین روش تعریف دین این است که یک الگوی کاملاً مشخص دینی را برگزینیم و ابعاد و خصایص آن را دقیقاً شرح دهیم» (فناپی، ۱۳۷۵). آلتون فهرست ابعاد و خصایص دین را به شرح زیر ارائه می‌دهد:

- ۱- اعتقاد به موجودات ماورای طبیعی؛
 - ۲- تمایز امر قدسی از امر دنیوی؛
 - ۳- شعاعی که حول و حوش امور مقدس متمرکزند؛
 - ۴- مجموعه قواعد اخلاقی که خداوند ضامن اجرای آن است؛
 - ۵- احساسات خاص دینی که در حضور امور مقدس و در انجام شعاع پدید می‌آیند؛
 - ۶- عبادت و سایر صور ارتباط با خداوند؛
 - ۷- دیدگاه کلی درباره‌ی جهان به منزله‌ی یک کل و مقام انسان در آن؛
 - ۸- سازمان کمابیش کلی زندگی انسان براساس آن دیدگاه؛
 - ۹- گروه اجتماعی متحد به یاری عوامل فوق (فناپی، ۱۳۷۵).
- دین‌شناس دیگری به نام *نیشیان اسمارت* ابعاد دین را چنین برمی‌شمارد:

- ۱- بعد آیینی و مراسم عبادی؛
- ۲- بعد اسطوره‌ای و روایی؛
- ۳- بعد فلسفی - عقیدتی و اصول عقاید؛
- ۴- بعد تجربی و احساسی.

وی می‌گوید: «این ابعاد شش‌گانه در حقیقت همان جنبه‌های گوناگون دینند و اگر قرار باشد که ما یک ایدئولوژی یا جهان‌بینی را دین به‌شمار آوریم، باید در یکی از این ابعاد بگنجد (اسمارت، ۱۳۷۳).

دانشمند دیگری نیز دو بعد اساسی برای دین برمی‌شمارد: اعتقادات و مناسک

دینی؛ وی معتقد است که این دو به یکدیگر مرتبط و وابسته‌اند و تفکیک آنها ممکن نیست (دورکهایم، ۱۳۷۱).

برای جمع بندی مبحث ابعاد دین به بحث سنجش دینداری می‌پردازیم؛ زیرا سنجش یک مفهوم در آغاز نیازمند تعیین ابعاد تشکیل دهنده‌ی آن است.

سنجش دینداری

در بسیاری از پژوهش‌های تجربی، مسئله‌ی «دین و دینداری» با در نظر گرفتن یک بعد، مثل فراوانی رفتن به کلیسا یا عضویت در آن، مورد سنجش قرار گرفته است. این نوع سنجش دینداری مورد انتقاد شدید دانشمندان علوم اجتماعی واقع گردیده و اظهار داشته‌اند که میزان رفتن به کلیسا و درجه‌ی نفوذ کلیسا در جامعه لزوماً به معنای بیان اعتقادات مذهبی نیست. بسیاری از افراد که دارای اعتقادات مذهبی هستند، به‌طور منظم در مراسم مذهبی شرکت نمی‌کنند. از سوی دیگر منظم بودن این‌گونه مشارکت و حضور دائمی به معنای داشتن عقاید نیرومند مذهبی نیست. افراد ممکن است بنابه عادت یا به علت آنکه در اجتماع چنین انتظاری از آنها می‌رود در این‌گونه مراسم حاضر شوند (گیدنز، ۱۳۷۳).

محقق دیگری نیز معرف حضور در کلیسا را فقط یک شاخص تقریبی از اعتقادات مذهبی دانسته و معتقد است که مذهبی بودن را نباید معادل انجام رفتارها و مناسک مذهبی دانست، چون براساس آن تصویری نسبتاً گمراه کننده و خام از دینداری مردم به دست خواهیم آورد. اگرچه این آمارها به منزله‌ی شاخص تقریبی روندها در تغییر ایمان مذهبی بهتر از هیچ است، اما مسلماً جانشین سنجش‌های مستقیم این اعتقادات نیستند. به نظر وی اعتقاد به خدا و تعهد مذهبی، به معنای میزان اهمیت خداوند نزد افراد، شاخص بسیار حساس بعد دینداری در زندگی فرد است (اینگلهارت، ۱۳۷۳).

در میان مسلمانان نیز **کلود سودکلیف** در اندازه‌گیری تدین یک مسلمان، تنها «نماز» را اصل قرار داده است. البته وی اشاره دارد که هر شاخص رفتاری به تنهایی برای

اندازه‌گیری تدین کافی نیست، چون رفتار دینی فقط یکی از ابعاد دینداری است (کمال المنوفی، ۱۳۷۵).

کمال المنوفی در پژوهشی تحت عنوان «اسلام و توسعه»، دینداری را دارای دو بُعد جدا از هم دانسته که عبارتند از: شناخت دینی و رفتار دینی؛ وی از میان معرف‌های بعد رفتاری تنها نماز را کافی دانسته؛ چون که نماز در اسلام به عنوان ستون دین به حساب می‌آید (۱۳۷۵). در حال حاضر پژوهشگران تقریباً به دیدگاه واحدی مبنی بر پذیرش چند بعدی بودن دین و در نتیجه دینداری متمایل شده‌اند (سراج‌زاده، ۱۳۷۷).

اعمالی که ادیان مختلف توصیه می‌کنند، از انجام مناسک و فرائض مذهبی (مانند نماز، روزه، حج و...) تا التزام به یک زندگی اخلاقی (بعد پیامدی دین) متغیر است. در میان عرف مسلمانان نیز تقید دینی و ایمانی معمولاً با بعد پیامدی شناخته می‌شود؛ به عنوان مثال مردم فروشنده‌ای را مؤمن و متدین می‌دانند که جدا از تقید به انجام واجبات دین، فردی با انصاف، امانتدار، راستگو، با حیا و... باشد. بنابراین تدین و دینداری، آن‌طور که مردم می‌فهمند و تعبیر می‌شود، لاجرم دارای بعد پیامدی است و با این بعد مراتب آن فهمیده می‌شود (پترسون و دیگران، ۱۳۷۷).

می‌توان گفت که بعد پیامدی دینداری به تعبیر قرآن کریم، همان عمل صالح است که در جای‌جای این کتاب مقدس، بعد از ایمان و به عنوان مکمل آن یاد شده است. وقوع انقلاب اسلامی در ایران و رهبری آن توسط امام علیه السلام جلوه‌ای جدید از مناسبات نسلی در تاریخ و تمدن این مرز و بوم کهن بود که اندیشمندان و محققان به لحاظ ماهیت و محتوا، آن را به عنوان یک نمونه‌ی عینی و واقعی ارزیابی می‌کنند. جوان‌گرایی و جوان‌محوری در عرصه‌ی تحولات انقلاب و نیز استراتژی تداوم انقلاب، این ایده را بارور کرد که نسل جوان، توانا، پیشرو و قابل اعتماد است. نگارنده بر این باور است که میراث‌گران‌بهای مادی و معنوی به بار نشسته‌ی جوان خلاق و فعال دهه‌ی اول انقلاب اسلامی، قابلیت تسری و تعمیم به دوران‌های آتی را دارا بوده و اندیشه و شیوه‌های عمل نسل مذکور باید به نسل‌های کنونی و آینده منتقل گردد. از جمله برنامه‌های اصلی و بنیادی انقلاب

اسلامی، تربیت دینی و پرورش اخلاقی نسل جدید بوده‌است. برای تحقق این هدف آرمانی، تمام دستگاه‌های فرهنگی که مسئولیت تربیت جوانان را به عهده دارند، از جمله آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فن‌آوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیما و مراکز آموزش عالی، هرکدام به سهم خود تدابیر لازم را برای آموزش و تربیت دینی - اخلاقی آنان اندیشیده‌اند. براساس ایدئولوژی انقلاب اسلامی، مهم‌ترین وظیفه‌ی جامعه‌ی اسلامی تربیت «انسان وارسته» است؛ بنابراین تمام برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و بلند مدت نهادها به سمت و سوی این هدف، یعنی تربیت نسلی معتقد به مبانی دین، عامل به احکام الهی و برخوردار از سجایا و فضایل اخلاقی، سوق داده شد. لذا دینداری و پای‌بندی به اصول اخلاقی باید به وضوح در محصولات جامعه‌ی اسلامی مشاهده‌گردد. در این راستا «تربیت دینی» از اهداف اصلی و عمده‌ی نظام سیاسی - اجتماعی تعریف گردید و جهت‌گیری‌های کلی نظام سیاسی و فرهنگی کشور در راستای تقویت و گسترش ارزش‌ها و باورهای دینی در میان مردم (بالاخص نسل جدید) شکل گرفت. افزون بر اینها مقصد و منظور بزرگان نظام اسلامی نیز همانا تربیت دینی و تقویت ایمان جوانان بوده و هست؛ چنان که حضرت امام علیه السلام می‌فرمایند: «...باید تربیت‌ها به طوری باشد که اسلامی و سازنده باشد که نسل آتیه ان‌شاءالله یک نسل تربیت شده‌ی اسلامی و مفید برای جامعه‌ی اسلامی است...» (امام علیه السلام، ۱۳۷۸).

مقام معظم رهبری نیز در بیانات خود فرموده‌اند: «هرکس به سرنوشت این ملت و این کشور علاقه‌مند است باید در راه تقویت ایمان ملت، در راه تقویت ایمان جوانان، در راه تدبیر جوانان، در راه تقویت پیوند جوانان با آرمان‌های اسلامی مجاهدت کند...» (مقام معظم رهبری، خرداد ۱۳۷۸).

آنچه مسلم است، دین تأثیرات عمیق و گسترده‌ای در تبلور شخصیت افراد و اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی ایشان دارد و این نوع کارکرد دین یا تأثیر دینداری، فقط مخصوص دین اسلام نیست؛ زیرا به گزارش دانشمندان علوم اجتماعی «دین به هرگونه

که باشد هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان پیدا کرد که دین در آن نقش مهمی نداشته باشد. دین نه تنها به جهان معنا می‌بخشد، بلکه الگویی برای جهان به گونه‌ای رمزی فراهم می‌سازد؛ یعنی طرحی از آنچه که جهان باید باشد به دست می‌دهد. برای همین است که دین می‌تواند راهنمایی برای رفتار بشر - از روابط خانوادگی گرفته تا ایدئولوژی‌های گروه‌های اجتماعی و حاکم - فراهم سازد و این کار را نیز غالباً انجام می‌دهد» (بیتس و پلاگ، ۱۳۷۵).

موضوع دینداری یا اصولاً پرداختن به بحث دیندار بودن یا نبودن افراد جامعه، بحثی است که از جهت سابقه به دهه‌ی ۱۹۶۰ مغرب زمین باز می‌گردد و درست با همان دغدغه‌هایی که امروز ما با این سؤال روبرو هستیم در آنجا هم متخصصان رشته‌ی جامعه‌شناسی، پژوهشگران اجتماعی و گاهی هم مدیران به این موضوع می‌پرداختند. در آنجا سؤال پیش آمده این بود که: مدرنیته با ایمان چه خواهد کرد؟ آن را تقویت می‌کند یا تضعیف؟ مردم دیندارتر شده‌اند یا برعکس؟ و عمده‌تاً جامعه‌شناسان دینی نیز که سابقه‌ی کار در کلیسا و دغدغه‌های مذهبی داشتند، به این موضوع پرداختند.

این امر مقدمه‌ی بحث‌هایی شد که حدود دو دهه در میان صاحب‌نظران علوم اجتماعی و جامعه‌شناسان و تاحدی روان‌شناسان وجود داشت. البته این مطلب که سنجه‌های دینداری چیست؟ آیا می‌توان سنجه‌ای برای دینداری ساخت؟ چه سنجه‌ای باید ارائه شود که بر اساس آن بتوانیم در مورد دینداری افراد جامعه قضاوت کنیم؟ و... در دوره‌ای افول کرد، اما بار دیگر از دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی، به ویژه اواخر این دهه به بعد، موضوع دینداری و سنجش گرایش‌های دینی، هم در مغرب‌زمین و هم در جوامع دیگر، به‌طور جدی مطرح شد. یکی از جامعه‌شناسان امریکایی به نام برگر در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در شمار نظریه‌پردازان برجسته‌ی سکولاریسم بود و استدلال می‌کرد که مدرنیته به سکولار شدن هرچه بیشتر جامعه منجر خواهد شد. اما از دهه‌ی ۱۹۸۰ به بعد آرام آرام این موضوع زیر سؤال رفت. در سال ۱۹۷۷ برگر مقاله‌ای در یک سمینار ارائه کرد که چندی بعد موضوع کتاب وی قرار گرفت. او در آنجا صریحاً به این حقیقت اذعان کرد که

تصور پیشین ما درست نبوده و امروزه دنیا و جامعه - به جز برخی استثناءها- همان قدر دینی است که در گذشته بوده است (سراج‌زاده، ۱۳۸۳).

از حدود دهه‌ی ۱۳۷۰ نیز این سؤال به تدریج در جامعه‌ی ما مطرح شد که دینداری چیست و چگونه است؟ و این موضوع به اجرای پژوهش‌هایی پیمایشی منجر شد. در حدود ۱۲ پژوهش پیمایشی که بیشتر در مورد دانش‌آموزان و نیز دانشجویان بوده، تقریباً همه در مورد اعتقاد به خداوند، به این نتیجه رسیده‌اند که حداقل بیش از ۹۰٪ از پاسخگویان به نوعی به خداوند اعتقاد دارند و درصد کسانی که اظهار بی‌اعتقادی به خداوند کرده‌اند، کمتر از ۱۰٪ بوده است. در مورد مناسک فردی هم به همین ترتیب بوده است؛ به ویژه معرف مناسک فردی را اگر نماز در نظر بگیریم، کسانی که گفته‌اند گاهی نماز نمی‌خوانند یا اصلاً نماز نمی‌خوانند در بیشترین حالت ۲۰٪ بوده‌اند که آن هم به صورت استثنایی در یکی از پژوهش‌ها این‌گونه بوده است. این‌که حدود ۱۰٪ گفته‌اند اصلاً نماز نمی‌خوانند یعنی حدود ۸۰-۹۰٪ بقیه به نوعی نماز می‌خوانند و تارک الصلاة نیستند (سراج‌زاده، ۱۳۸۳).

پژوهش‌های انجام شده در جوامع دیگر نیز عموماً حاکی از آن هستند که ایمان و باورهای مذهبی، رفتار افراد را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهند. مور (۲۰۰۲) در پژوهشی نشان داد که نوجوانان و جوانان مذهبی نسبت به همسالان خود در زندگی دچار آشفتگی کمتری می‌شوند. همچنین آن دسته از دانش‌آموزان دبیرستانی که به صورت منظم در مراسم مذهبی و نیایش شرکت می‌کنند، در زندگی روزمره با آسیب‌های اجتماعی و روانی کمتری مواجه گشته و در فعالیت‌های سازندگی بیشتر شرکت می‌کنند.

براساس نتایج پژوهش «مطالعه‌ی ملی جوانان و مذهب» (اسمیت، ۲۰۰۴) از ۳۰ نوع بزهکاری که مورد بررسی قرار گرفته، فقط یکی از آنها همراه داشتن اسلحه در مدرسه - با مذهب ارتباط معناداری نداشته است. برخی نتایج مطالعه‌ی مذکور بر روی جوانان دانش‌آموز که حداقل به طور هفتگی در مراسم کلیسا شرکت می‌کردند، بدین قرار است:

- ۵۵٪ هرگز به کاواری نرفته‌اند؛

- ۴۳٪ هرگز سیگار نکشیده‌اند؛

- ۴۶٪ هرگز مشروبات الکلی نخورده‌اند؛

- ۷۶٪ هرگز در سال گذشته کالایی از مغازه نذر دیده‌اند؛

- ۸۲٪ هرگز حکم تعلیقی یا اخراجی دریافت نکرده‌اند.

بی‌هیچ تردیدی، نظم و تداوم فعالیت‌های مذهبی عاملی کلیدی در انتخاب یک سبک زندگی سالم در میان جوانان مورد پژوهش بوده‌است.

رادنی استوارک، استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه واشنگتن، نیز در کتاب خود تحت عنوان «دین، کجروی و کنترل اجتماعی» زمینه‌ی تحقیقات جدیدی را در باب قدرت بازدارندگی دین در برابر پدیده‌هایی چون جرم، بزهکاری جوانان، خودکشی، مصرف مواد مخدر، عضویت در فرقه‌ها و همچنین بیماری‌های روانی، گشوده‌است (سلیمی، ۱۳۷۹).

همچنین انسان‌شناسان به چهار کارکرد عمده‌ی نهاد اجتماعی دین اشاره کرده‌اند:

۱- انسجام عاطفی؛ ۲- بازآفرینی فرهنگی؛ ۳- معناسازی (معنا بخشی)؛ ۴- انسجام اجتماعی.

دین برای جامعه معنایی از اجتماع و اجماع را به‌وجود می‌آورد و آن را تحکیم می‌بخشد؛ رفتارهای ضد اجتماعی را منع کرده و راه‌هایی را برای انسجام دوباره‌ی متخلفین پیشنهاد می‌کند (تنهایی، ۱۳۷۵).

در اولین همایش بین‌المللی «نقش دین در بهداشت روان» که انجمن روان‌شناسی ایران در سال ۱۳۸۰ برگزار نمود، بیش از یکصد مقاله ارائه شد که هر یک به‌گونه‌ای تأثیر مذهب و دینداری را در زندگی افراد مورد بررسی قرار داده بود. چنانکه ملاحظه می‌شود و از موضوع پژوهش‌های پیمایشی برمی‌آید، پیوند میان دین و اخلاق و تربیت اجتماعی و نیز تأثیر دین بر بحران‌های روانی و هویت جوانان جامعه، مسئله‌ی بسیاری از جوامع امروزی است و همان‌گونه که ذکر شد، در جامعه‌ی اسلامی ما نیز به‌لحاظ تبلیغ مداوم ارزش‌ها و تعالیم دینی، توقعات، انتظارات و حساسیت‌های عمومی جامعه در

پذیرش کجروی‌ها و رفتارهای نابهنجار بسیار پایین آمده‌است. در پاسخ به انتظارات و حساسیت‌های یاد شده، مسئولان ذیربط در آموزش و پرورش برنامه‌های آموزشی و تربیتی استراتژیک متعددی را به مرحله‌ی اجرا گذاشته‌اند و نهایتاً در ششصد و چهل و هفتمین جلسه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش، که در تاریخ ۷۹/۲/۲۹ به ریاست وزیر محترم وقت تشکیل گردید، طرحی تحت عنوان «اهداف دوره‌ی متوسطه تحصیلی» به تصویب رسید و برای اجرا به کلیه‌ی سازمان‌های تابع ابلاغ گردید. اهداف کلی طرح مذکور که هریک شامل شاخص‌هایی هستند، بدین قرارند:

۱- اعتقادی؛ ۲- اخلاقی؛ ۳- علمی آموزشی؛ ۴- سیاسی؛ ۵- اقتصادی؛ ۶- اجتماعی
۷- زیستی.

اکنون باید دید و پرسید که مسئولان و دست‌اندرکاران امور دینی، فرهنگی و تربیتی کشور، به‌ویژه در آموزش و پرورش، تاچه حد به تحقق برنامه‌ها و اهداف یاد شده نزدیک شده‌اند و یا کدام یک از اهداف و تاچه میزان تحقق یافته‌است؟ قابل ذکر است که برخی تحقیقات پیمایشی که طی چند سال اخیر به اجرا درآمده، حاوی نتایج چندان یأس‌آوری نیست، بلکه می‌توان با نگاه خوش‌بینانه آن را نشانه‌ی امیدواری به حساب آورد.

برای نمونه (سراج‌زاده، ۱۳۸۳)، در پژوهشی که بر روی ۱۵۲۲ نفر دانشجو انجام داد، به نتایج زیر دست یافت:

- ۴۳٪ دانشجویان خود را مسلمان عادی، ۲۸٪ انقلابی و ۲/۵٪ شناسنامه‌ای معرفی کرده‌اند؛

- ۹۷٪ به خداوند اعتقاد دارند؛

- ۸۲٪ به مسلمان بودن خود افتخار می‌کنند؛

- ۱۶٪ افراد نمونه‌ی خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیرمذهبی معرفی کرده‌اند؛

- ۸۰٪ نقش خداوند را در زندگی خود بسیار مهم و ۱۳٪ مهم ارزیابی کرده‌اند؛

- ۵۷٪ گفته‌اند یا در نماز جماعت شرکت نمی‌کنند یا به ندرت شرکت می‌کند.

می‌توان اظهار داشت که دینداری آگاهانه و گرایش‌ات مذهبی تأثیر بسزایی بر جنبه‌های گوناگون رفتار فردی و اجتماعی جامعه، به‌ویژه نسل جوان دارد. البته توجه زیادی که امروزه به رفتارهای نابهنجار اخلاقی یا خلاف شرع و بزهکارانه‌ی جوانان معطوف می‌شود و نیز سیاست‌های پیشگیرانه یا تنبیهی که به‌طور ضربتی اتخاذ می‌گردد، می‌تواند تا حدودی مبین نگرانی از این واقعیت باشد که تلاش‌ها و فعالیت‌های بیش از دو دهه‌ی مدیران و مسئولان نظام انقلابی ایران در انتقال باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی به نسل جوان، با نوعی عدم موفقیت و ناکامی روبرو شده است.

پژوهشگر حاضر نیز در راستای پژوهش‌های یاد شده پژوهشی موردی را در سطح شهرستان قم و در محدوده‌ی چهار ناحیه‌ی آموزش و پرورش در زمینه‌ی بررسی دینداری و بازده‌های تربیتی دانش‌آموزان مقطع متوسطه به اجرا گذارد و در مجموع سه سؤال عمده برای پژوهش مذکور مطرح گردید:

۱- وضعیت دینداری جوانان دانش‌آموز مقطع متوسطه‌ی شهر قم چگونه است؟

۲- وضعیت بازده‌های تربیتی دانش‌آموزان یادشده چگونه است؟

۳- آیا میان دینداری و بازده‌های تربیتی این دانش‌آموزان رابطه‌ای وجود دارد؟

روش تحقیق

در این پژوهش از روش مطالعه‌ی پیمایشی - توصیفی استفاده گردید.

جامعه‌ی آماری: کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه‌ی نواحی چهارگانه‌ی آموزش و پرورش شهر قم که در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ در دبیرستان‌های روزانه تحصیل می‌کردند. از تعداد کل جامعه‌ی آماری $53/6\%$ به دانش‌آموزان دختر و $46/4\%$ به دانش‌آموزان پسر اختصاص دارد.

حجم نمونه‌ی مورد مطالعه: نمونه‌ی پژوهش شامل تعداد ۳۸۲ نفر دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستانی بوده که با احتساب ریزش احتمالی و به‌منظور بالا بردن ضریب اطمینان و دقت تا ۶۰۰ نفر افزایش یافته است (۳۲۰ نفر دختر و ۲۸۰ نفر پسر)؛ برای نمونه‌گیری از

روش نمونه‌برداری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده گردید.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات: برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌ای حاوی سؤال‌هایی در ارتباط با سنجش متغیرهای پژوهش استفاده شد. این پرسشنامه حاوی ۱۰۲ سؤال نگرش‌سنج و ۱۰ سؤال مربوط به اطلاعات فردی پاسخگویان است. این پرسشنامه، محقق ساخته بوده و اعتبار و روایی آن بر اساس شیوه‌های مرسوم مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی روایی محتوا از نظر صاحب‌نظران علوم اسلامی و تربیتی استفاده شد.

اعتبار ابزار براساس پایلوت (اجرای آزمایش پرسشنامه‌ای) و از طریق تحلیل همبستگی درونی آیت‌ها و ضریب آلفای کرونباخ بررسی گردید. ابعاد یا شاخص‌های دینداری و بازده‌های تربیتی، هرکدام از تعدادی گویه تشکیل شده و همه‌ی گویه‌ها با مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری گردیده است؛ یعنی هر گویه شامل چهار پاسخ است: کاملاً موافقم، کمی موافقم، کمی مخالفم، کاملاً مخالفم.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از روش‌های آمار توصیفی و نیز روش‌های آمار استنباطی همچون آزمون t ، آزمون χ^2 و دو تجزیه و تحلیل واریانس، جهت مقایسه‌ی تفاوت‌های میان گروهی و تعمیم به جامعه‌ی آماری استفاده گردید.

یافته‌ها و نتایج پژوهش

باتوجه به اهداف و فرضیه‌های مدنظر در پژوهش حاضر نتایج زیر قابل تأمل خواهد بود:

۱- در مورد بررسی وضعیت دینداری دانش‌آموزان:

الف) یافته‌های توصیفی:

همان‌گونه که در جدول شماره‌ی ۱ نشان می‌دهد مبین این واقعیت است که دانش‌آموزان نمونه بالاترین نمرات را در مقیاس «عقاید و باورها» به دست آورده‌اند. میانگین این مقیاس ۱۹/۰۹ و انحراف استاندارد آن نیز ۱/۸۹ است. بعد از مقیاس عقاید

و باورها، بالاترین میانگین به ترتیب در مقیاس‌های «تجربه‌ی دینی» ($\bar{x}=16/40$)، بعد پیامد اجتماعی دینداری ($\bar{x}=16/08$)، مناسک مذهبی ($\bar{x}=15/06$)، پیامد فردی دینداری ($\bar{x}=14/72$)، هویت دینی ($\bar{x}=14/36$) مشاهده می‌شود. کمترین نمرات نیز به دو مقیاس مراسم مذهبی ($\bar{x}=13/52$) و شناخت مذهبی ($\bar{x}=13/17$) اختصاص دارد.

جدول شماره‌ی ۱: مشخصات توصیفی شاخص‌های دینداری بعد از تعدیل دامنه‌ی نمرات

شاخص‌ها	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
بعد عقایدی	۵۵۹	۰	۲۰	۱۹/۰۹	۱/۸۹
بعد مناسکی	۵۵۱	۰	۲۰	۱۵/۰۶	۳/۴۷
بعد پیامدی (اجتماعی)	۵۷۰	۰	۲۰	۱۶/۰۸	۴/۰۴
بعد پیامدی (فردی)	۵۵۲	۰	۲۰	۱۴/۷۲	۳/۶۴
تجربه‌ی دینی	۵۷۱	۰	۲۰	۱۶/۴۰	۲/۸۷
هویت دینی	۵۶۵	۰	۲۰	۱۴/۳۶	۳/۷۱
شناخت مذهبی	۵۵۲	۰	۲۰	۱۳/۱۷	۳/۹۴
مراسم مذهبی	۵۶۲	۰	۲۰	۱۳/۵۲	۴/۴۷

ب) استنباط از یافته‌ها

همان‌طوری که در جدول شماره‌ی ۱ ملاحظه شد، دامنه‌ی نمرات تمام مقیاس‌ها از ۰-۲۰ ثابت نگه داشته شده است، بنابراین میانگین نظری هر مقیاس برابر ۱۰ خواهد بود. لذا برای بررسی این‌که آیا دانش‌آموزان نمونه از حدّ متوسط تفاوت دارند یا خیر از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده گردید. (جدول شماره ۲)

جدول ۲: آزمون t تک نمونه‌ای برای مقایسه‌ی میانگین شاخص‌های دینداری با

میانگین نظری توزیع

شاخص‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه‌ی آزادی	معناداری	میانگین تفاوت
بعد عقیدتی	۱۹/۰۹	۱/۸۹	۱۱۳/۱۸	۵۵۸	۰/۰۰۰	۹/۰۹
بعد مناسکی	۱۵/۰۶	۳/۴۷	۳۴/۲۴	۵۵۰	۰/۰۰۰	۵/۰۶
مراسم مذهبی	۱۳/۵۲	۴/۴۷	۱۸/۶۶	۵۶۱	۰/۰۰۰	۳/۵۲
بعدپیمادی (اجتماعی)	۱۶/۰۸	۴/۰۴	۳۵/۹۱	۵۶۹	۰/۰۰۰	۶/۰۸
بعد پیمادی (فردی)	۱۴/۷۲	۳/۶۴	۳۰/۳۹	۵۵۱	۰/۰۰۰	۴/۷۲
تجربه‌ی دینی	۱۶/۴۰	۲/۸۷	۵۳/۱۳	۵۷۰	۰/۰۰۰	۶/۴۰
هویت دینی	۱۴/۳۶	۳/۷۱	۲۷/۸۹	۵۶۴	۰/۰۰۰	۴/۳۶
شناخت مذهبی	۱۳/۱۷	۳/۹۴	۱۸/۸۹	۵۵۱	۰/۰۰۰	۳/۱۷

باتوجه به جدول شماره‌ی ۲ نتایج آزمون t برای تمام مقیاس‌های دینداری در سطح $p > ۰۱$ معنادار است، بنابراین با احتمال ۹۹ درصد می‌توان گفت که دانش‌آموزان در همه‌ی شاخص‌های دینداری تفاوت معناداری با میانگین نظری مقیاس دارند؛ یعنی امتیازات آنها در این شاخص بیشتر از سطح متوسط است. بیشترین تفاوت را در مقیاس عقاید و باورها مشاهده می‌کنیم که میانگین تفاوت برابر با ۱۹/۰۹ است و کمترین تفاوت نیز مختص دو شاخص شناخت مذهبی و مراسم مذهبی است که به میانگین نظری مقیاس $(x=۱۰)$ نزدیک‌ترینند.

مقایسه‌ی میانگین شاخص‌های دینداری برحسب جنسیت

برای مقایسه میانگین‌های دو گروه دختر و پسر در شاخص‌های دینداری از آزمون t مستقل استفاده شده است. نتایج آزمون این در جدول صفحه‌ی بعد درج شده است:

جدول شماره‌ی ۳: نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه‌ی دو گروه دختر و پسر در شاخص‌های دینداری

شاخص‌ها	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	df	معناداری																																																																																
باورها و عقاید	پسر	۲۶۰	۱۸/۹۴	۱/۸۷	-۱/۷۸	۵۵۵	-/۰۰۸																																																																																
	دختر	۲۹۷	۱۹/۲۲	۱/۹۱				مناسک واجب	پسر	۲۵۵	۱۴/۶۸	۳/۴۴	-۲/۳۳	۵۴۷	-/۰۰۲	دختر	۲۹۴	۱۵/۳۷	۳/۴۷	مراسم مذهبی	پسر	۲۵۷	۱۲/۹۲	۴/۶۶	-۲/۹۸	۵۵۸	-/۰۰۲	دختر	۳۰۳	۱۴/۰۴	۴/۲۴	پیامد اجتماعی	پسر	۲۶۳	۱۵/۵۴	۴/۳۷	-۲/۹۸	۵۴۷	-/۰۰۲	دختر	۳۰۶	۱۶/۵۴	۳/۶۹	پیامد فردی	پسر	۲۵۲	۱۴/۱۸	۳/۸۲	-۳/۲۰	۵۴۸	-/۰۰۱	دختر	۲۹۸	۱۵/۱۷	۳/۴۴	تجربه‌ی دینی	پسر	۲۶۶	۱۶	۳/۱۳	-۳/۰۷	۵۴۷	-/۰۰۲	دختر	۳۰۳	۱۶/۷۴	۲/۵۹	هویت مذهبی	پسر	۲۵۹	۱۴/۰۶	۳/۷۳	-۱/۷۵	۵۶۱	-/۰۰۸	دختر	۳۰۴	۱۴۶۱	۳/۷۰	شناخت مذهبی	پسر	۲۵۲	۱۲/۵۲	۳/۹۵	-۳/۶۲	۵۴۸	-/۰۰۰
مناسک واجب	پسر	۲۵۵	۱۴/۶۸	۳/۴۴	-۲/۳۳	۵۴۷	-/۰۰۲																																																																																
	دختر	۲۹۴	۱۵/۳۷	۳/۴۷				مراسم مذهبی	پسر	۲۵۷	۱۲/۹۲	۴/۶۶	-۲/۹۸	۵۵۸	-/۰۰۲	دختر	۳۰۳	۱۴/۰۴	۴/۲۴	پیامد اجتماعی	پسر	۲۶۳	۱۵/۵۴	۴/۳۷	-۲/۹۸	۵۴۷	-/۰۰۲	دختر	۳۰۶	۱۶/۵۴	۳/۶۹	پیامد فردی	پسر	۲۵۲	۱۴/۱۸	۳/۸۲	-۳/۲۰	۵۴۸	-/۰۰۱	دختر	۲۹۸	۱۵/۱۷	۳/۴۴	تجربه‌ی دینی	پسر	۲۶۶	۱۶	۳/۱۳	-۳/۰۷	۵۴۷	-/۰۰۲	دختر	۳۰۳	۱۶/۷۴	۲/۵۹	هویت مذهبی	پسر	۲۵۹	۱۴/۰۶	۳/۷۳	-۱/۷۵	۵۶۱	-/۰۰۸	دختر	۳۰۴	۱۴۶۱	۳/۷۰	شناخت مذهبی	پسر	۲۵۲	۱۲/۵۲	۳/۹۵	-۳/۶۲	۵۴۸	-/۰۰۰	دختر	۲۹۸	۱۳/۷۳	۳/۸۶								
مراسم مذهبی	پسر	۲۵۷	۱۲/۹۲	۴/۶۶	-۲/۹۸	۵۵۸	-/۰۰۲																																																																																
	دختر	۳۰۳	۱۴/۰۴	۴/۲۴				پیامد اجتماعی	پسر	۲۶۳	۱۵/۵۴	۴/۳۷	-۲/۹۸	۵۴۷	-/۰۰۲	دختر	۳۰۶	۱۶/۵۴	۳/۶۹	پیامد فردی	پسر	۲۵۲	۱۴/۱۸	۳/۸۲	-۳/۲۰	۵۴۸	-/۰۰۱	دختر	۲۹۸	۱۵/۱۷	۳/۴۴	تجربه‌ی دینی	پسر	۲۶۶	۱۶	۳/۱۳	-۳/۰۷	۵۴۷	-/۰۰۲	دختر	۳۰۳	۱۶/۷۴	۲/۵۹	هویت مذهبی	پسر	۲۵۹	۱۴/۰۶	۳/۷۳	-۱/۷۵	۵۶۱	-/۰۰۸	دختر	۳۰۴	۱۴۶۱	۳/۷۰	شناخت مذهبی	پسر	۲۵۲	۱۲/۵۲	۳/۹۵	-۳/۶۲	۵۴۸	-/۰۰۰	دختر	۲۹۸	۱۳/۷۳	۳/۸۶																				
پیامد اجتماعی	پسر	۲۶۳	۱۵/۵۴	۴/۳۷	-۲/۹۸	۵۴۷	-/۰۰۲																																																																																
	دختر	۳۰۶	۱۶/۵۴	۳/۶۹				پیامد فردی	پسر	۲۵۲	۱۴/۱۸	۳/۸۲	-۳/۲۰	۵۴۸	-/۰۰۱	دختر	۲۹۸	۱۵/۱۷	۳/۴۴	تجربه‌ی دینی	پسر	۲۶۶	۱۶	۳/۱۳	-۳/۰۷	۵۴۷	-/۰۰۲	دختر	۳۰۳	۱۶/۷۴	۲/۵۹	هویت مذهبی	پسر	۲۵۹	۱۴/۰۶	۳/۷۳	-۱/۷۵	۵۶۱	-/۰۰۸	دختر	۳۰۴	۱۴۶۱	۳/۷۰	شناخت مذهبی	پسر	۲۵۲	۱۲/۵۲	۳/۹۵	-۳/۶۲	۵۴۸	-/۰۰۰	دختر	۲۹۸	۱۳/۷۳	۳/۸۶																																
پیامد فردی	پسر	۲۵۲	۱۴/۱۸	۳/۸۲	-۳/۲۰	۵۴۸	-/۰۰۱																																																																																
	دختر	۲۹۸	۱۵/۱۷	۳/۴۴				تجربه‌ی دینی	پسر	۲۶۶	۱۶	۳/۱۳	-۳/۰۷	۵۴۷	-/۰۰۲	دختر	۳۰۳	۱۶/۷۴	۲/۵۹	هویت مذهبی	پسر	۲۵۹	۱۴/۰۶	۳/۷۳	-۱/۷۵	۵۶۱	-/۰۰۸	دختر	۳۰۴	۱۴۶۱	۳/۷۰	شناخت مذهبی	پسر	۲۵۲	۱۲/۵۲	۳/۹۵	-۳/۶۲	۵۴۸	-/۰۰۰	دختر	۲۹۸	۱۳/۷۳	۳/۸۶																																												
تجربه‌ی دینی	پسر	۲۶۶	۱۶	۳/۱۳	-۳/۰۷	۵۴۷	-/۰۰۲																																																																																
	دختر	۳۰۳	۱۶/۷۴	۲/۵۹				هویت مذهبی	پسر	۲۵۹	۱۴/۰۶	۳/۷۳	-۱/۷۵	۵۶۱	-/۰۰۸	دختر	۳۰۴	۱۴۶۱	۳/۷۰	شناخت مذهبی	پسر	۲۵۲	۱۲/۵۲	۳/۹۵	-۳/۶۲	۵۴۸	-/۰۰۰	دختر	۲۹۸	۱۳/۷۳	۳/۸۶																																																								
هویت مذهبی	پسر	۲۵۹	۱۴/۰۶	۳/۷۳	-۱/۷۵	۵۶۱	-/۰۰۸																																																																																
	دختر	۳۰۴	۱۴۶۱	۳/۷۰				شناخت مذهبی	پسر	۲۵۲	۱۲/۵۲	۳/۹۵	-۳/۶۲	۵۴۸	-/۰۰۰	دختر	۲۹۸	۱۳/۷۳	۳/۸۶																																																																				
شناخت مذهبی	پسر	۲۵۲	۱۲/۵۲	۳/۹۵	-۳/۶۲	۵۴۸	-/۰۰۰																																																																																
	دختر	۲۹۸	۱۳/۷۳	۳/۸۶																																																																																			

همان‌طور که در جدول شماره‌ی ۳ ملاحظه می‌شود نتایج آزمون t مستقل در شش شاخص مناسک واجب، مراسم مذهبی، پیامد اجتماعی، پیامد فردی، تجربه دینی و شناخت مذهبی معنادار است؛ یعنی دو گروه دختر پسر در این مقیاس‌ها امتیازات متفاوتی کسب کرده و میانگین نمرات آنها با یکدیگر به لحاظ آماری تفاوت دارد. منفی بودن ضرایب t نشانگر بالاتر بودن میانگین دختران نسبت به میانگین پسران است. تقریباً

در اکثر این شاخص‌ها دختران به‌طور میانگین یک نمره بیشتر از پسران کسب کرده‌اند.

۲- بررسی وضعیت بازده‌های تربیتی دانش‌آموزان :

الف) یافته‌های توصیفی

نگاهی به میانگین بازده‌های تربیتی پس از تعدیل دامنه‌ی نمرات نشان می‌دهد که دانش‌آموزان نمونه به ترتیب در بازده خانوادگی ($\bar{x}=16/14$) و بازده بهداشتی ($\bar{x}=15/01$) بیشترین نمرات را کسب کرده‌اند. گرایش به رفتارهای بزهکارانه قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که درد و مقیاس نگرش ضد اجتماعی و گرایش به رفتارهای بزهکارانه به دست آوردن نمره‌ی بالا به معنای گرایش کمتر و به دست آوردن نمره‌ی پایین به معنای گرایش بیشتر به این‌گونه رفتارهاست. کمترین نمرات نیز به بازده اجتماعی ($\bar{x}=12/94$) اختصاص دارد.

جدول شماره‌ی ۴ مشخصات توصیفی شاخص‌های متغیر بازده‌های تربیتی را بعد از ثابت نگهداشتن دامنه‌ی نمرات نشان می‌دهد:

جدول شماره‌ی ۴: مشخصات توصیفی بازده‌های تربیتی بعد از تعدیل نمرات

شاخص‌ها	تعداد	حداقل نمره	حداکثر نمره	میانگین	انحراف استاندارد
بازده اخلاقی	۵۶۹	۰	۲۰	۱۳/۵۶	۳/۵۸
بازده علمی	۵۶۸	۰	۲۰	۱۳/۷۷	۳/۷۸
بازده اقتصادی	۵۷۵	۰	۲۰	۱۳/۸۲	۴/۵۹
بازده بهداشتی	۵۷۳	۰	۲۰	۱۵/۰۱	۳/۶۱
بازده اجتماعی	۵۷۱	۰	۲۰	۱۲/۹۴	۳/۷۳
بازده خانوادگی	۵۷۵	۰	۲۰	۱۶/۱۴	۳/۹۲
نگرش ضد اجتماعی	۵۷۱	۰	۲۰	۱۴/۳۹	۴/۲۳
گرایش به رفتارهای بزهکارانه	۵۵۹	۰	۲۰	۱۴/۸۶	۳/۰۵

ب) یافته‌های استنباطی

نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای تمام بازده‌های تربیتی در سطح $p < 0.01$ معنادار

است؛ یعنی دانش‌آموزان نمونه در تمام بازده‌های تربیتی به‌طور معناداری با میانگین نظری توزیع ($\bar{x}=10$) فاصله و تفاوت دارد. بیشترین تفاوت مربوط به بازده‌های خانوادگی و بازده بهداشتی است. کمترین تفاوت نیز به بازده اجتماعی اختصاص دارد. داده‌های مربوط به این موضوع در جدول شماره ۵ درج شده است:

جدول شماره ۵: آزمون t تک نمونه‌ای برای مقایسه‌ی میانگین بازده‌های تربیتی با میانگین نظری توزیع

میانگین تفاوت	معناداری	درجه‌ی آزادی	t	انحراف استاندارد	میانگین	شاخص‌ها
۳/۵۶	۰/۰۰۰	۵۶۸	۲۳/۷۵	۳/۵۸	۱۳/۵۶	بازده اخلاقی
۳/۷۶	۰/۰۰۰	۵۶۷	۲۳/۷۴	۳/۷۸	۱۳/۷۶	بازده علمی
۳/۸۲	۰/۰۰۰	۵۷۴	۱۹/۹۷	۴/۵۹	۱۳/۸۲	بازده اقتصادی
۵/۰۱	۰/۰۰۰	۵۷۲	۳۳/۱۸	۳/۶۱	۱۵/۰۱	بازده بهداشتی
۲/۹۴	۰/۰۰۰	۵۷۰	۱۸/۸۵	۳/۷۳	۱۲/۹۴	بازده اجتماعی
۶/۱۴	۰/۰۰۰	۵۷۴	۳۷/۵۹	۳/۹۲	۱۶/۱۴	بازده خانوادگی
۴/۳۹	۰/۰۰۰	۵۷۰	۲۴/۸۳	۴/۲۳	۱۴/۳۹	نگرش ضد اجتماعی
۴/۸۶	۰/۰۰۰	۵۵۸	۳۷/۶۵	۳/۰۵	۱۴/۸۶	گرایش به رفتارهای بزهکارانه

مقایسه‌ی میانگین‌ها در متغیر بازده‌های تربیتی بر حسب جنسیت

جدول شماره ۶ نتایج آزمون t مستقل را نمایش می‌دهد. این آزمون به منظور مقایسه‌ی میانگین‌های دو گروه دختر و پسر در شاخص‌های مربوط به بازده‌های تربیتی اجرا شده است.

جدول شماره‌ی ۶: نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه‌ی دو گروه دختر و پسر در بازده‌های تربیتی.

شاخص‌ها	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه‌ی آزادی	معناداری																																																																																
بازده اخلاقی	پسر	۲۶۰	۱۳/۴۱	۳/۶۶	-۹/۳۱	۵۶۵	۰/۳۵۲																																																																																
	دختر	۳۰۷	۱۳/۶۸	۳/۵۱				بازده علمی	پسر	۲۶۱	۱۲/۹۲	۳/۸۱	-۵/۰۱	۵۶۴	۰/۰۰۰	دختر	۳۰۵	۱۴/۴۹	۳/۶۲	بازده اقتصادی	پسر	۲۶۵	۱۲/۶۱	۴/۵۸	-۶/۱۱	۵۷۱	۰/۰۰۰	دختر	۳۰۸	۱۴/۸۹	۴/۳۴	بازده بهداشتی	پسر	۲۶۳	۱۴/۲۳	۳/۸۸	-۴/۸۷	۵۶۹	۰/۰۰۰	دختر	۳۰۸	۱۵/۶۷	۳/۲۲	بازده اجتماعی	پسر	۲۶۱	۱۲/۶۲	۳/۹۰	-۱/۹۲	۵۶۷	۰/۰۵۵	دختر	۳۰۸	۱۳/۲۲	۳/۵۷	بازده خانوادگی	پسر	۲۶۳	۱۵/۹۰	۴/۰۷	-۱/۴۶	۵۷۱	۰/۱۴۶	دختر	۳۱۰	۱۶/۳۸	۳/۷۶	نگرش ضد اجتماعی	پسر	۲۵۹	۱۳/۵۷	۴/۲۳	-۴/۳۳	۵۶۷	۰/۰۰۰	دختر	۳۱۰	۱۵/۰۸	۳/۱۱	گرایش به رفتارهای پزهکارانه	پسر	۲۶۱	۱۳/۹۸	۳/۳۹	-۶/۵۳	۵۵۵	۰/۰۰۰
بازده علمی	پسر	۲۶۱	۱۲/۹۲	۳/۸۱	-۵/۰۱	۵۶۴	۰/۰۰۰																																																																																
	دختر	۳۰۵	۱۴/۴۹	۳/۶۲				بازده اقتصادی	پسر	۲۶۵	۱۲/۶۱	۴/۵۸	-۶/۱۱	۵۷۱	۰/۰۰۰	دختر	۳۰۸	۱۴/۸۹	۴/۳۴	بازده بهداشتی	پسر	۲۶۳	۱۴/۲۳	۳/۸۸	-۴/۸۷	۵۶۹	۰/۰۰۰	دختر	۳۰۸	۱۵/۶۷	۳/۲۲	بازده اجتماعی	پسر	۲۶۱	۱۲/۶۲	۳/۹۰	-۱/۹۲	۵۶۷	۰/۰۵۵	دختر	۳۰۸	۱۳/۲۲	۳/۵۷	بازده خانوادگی	پسر	۲۶۳	۱۵/۹۰	۴/۰۷	-۱/۴۶	۵۷۱	۰/۱۴۶	دختر	۳۱۰	۱۶/۳۸	۳/۷۶	نگرش ضد اجتماعی	پسر	۲۵۹	۱۳/۵۷	۴/۲۳	-۴/۳۳	۵۶۷	۰/۰۰۰	دختر	۳۱۰	۱۵/۰۸	۳/۱۱	گرایش به رفتارهای پزهکارانه	پسر	۲۶۱	۱۳/۹۸	۳/۳۹	-۶/۵۳	۵۵۵	۰/۰۰۰	دختر	۲۹۶	۱۵/۶۲	۲/۴۹								
بازده اقتصادی	پسر	۲۶۵	۱۲/۶۱	۴/۵۸	-۶/۱۱	۵۷۱	۰/۰۰۰																																																																																
	دختر	۳۰۸	۱۴/۸۹	۴/۳۴				بازده بهداشتی	پسر	۲۶۳	۱۴/۲۳	۳/۸۸	-۴/۸۷	۵۶۹	۰/۰۰۰	دختر	۳۰۸	۱۵/۶۷	۳/۲۲	بازده اجتماعی	پسر	۲۶۱	۱۲/۶۲	۳/۹۰	-۱/۹۲	۵۶۷	۰/۰۵۵	دختر	۳۰۸	۱۳/۲۲	۳/۵۷	بازده خانوادگی	پسر	۲۶۳	۱۵/۹۰	۴/۰۷	-۱/۴۶	۵۷۱	۰/۱۴۶	دختر	۳۱۰	۱۶/۳۸	۳/۷۶	نگرش ضد اجتماعی	پسر	۲۵۹	۱۳/۵۷	۴/۲۳	-۴/۳۳	۵۶۷	۰/۰۰۰	دختر	۳۱۰	۱۵/۰۸	۳/۱۱	گرایش به رفتارهای پزهکارانه	پسر	۲۶۱	۱۳/۹۸	۳/۳۹	-۶/۵۳	۵۵۵	۰/۰۰۰	دختر	۲۹۶	۱۵/۶۲	۲/۴۹																				
بازده بهداشتی	پسر	۲۶۳	۱۴/۲۳	۳/۸۸	-۴/۸۷	۵۶۹	۰/۰۰۰																																																																																
	دختر	۳۰۸	۱۵/۶۷	۳/۲۲				بازده اجتماعی	پسر	۲۶۱	۱۲/۶۲	۳/۹۰	-۱/۹۲	۵۶۷	۰/۰۵۵	دختر	۳۰۸	۱۳/۲۲	۳/۵۷	بازده خانوادگی	پسر	۲۶۳	۱۵/۹۰	۴/۰۷	-۱/۴۶	۵۷۱	۰/۱۴۶	دختر	۳۱۰	۱۶/۳۸	۳/۷۶	نگرش ضد اجتماعی	پسر	۲۵۹	۱۳/۵۷	۴/۲۳	-۴/۳۳	۵۶۷	۰/۰۰۰	دختر	۳۱۰	۱۵/۰۸	۳/۱۱	گرایش به رفتارهای پزهکارانه	پسر	۲۶۱	۱۳/۹۸	۳/۳۹	-۶/۵۳	۵۵۵	۰/۰۰۰	دختر	۲۹۶	۱۵/۶۲	۲/۴۹																																
بازده اجتماعی	پسر	۲۶۱	۱۲/۶۲	۳/۹۰	-۱/۹۲	۵۶۷	۰/۰۵۵																																																																																
	دختر	۳۰۸	۱۳/۲۲	۳/۵۷				بازده خانوادگی	پسر	۲۶۳	۱۵/۹۰	۴/۰۷	-۱/۴۶	۵۷۱	۰/۱۴۶	دختر	۳۱۰	۱۶/۳۸	۳/۷۶	نگرش ضد اجتماعی	پسر	۲۵۹	۱۳/۵۷	۴/۲۳	-۴/۳۳	۵۶۷	۰/۰۰۰	دختر	۳۱۰	۱۵/۰۸	۳/۱۱	گرایش به رفتارهای پزهکارانه	پسر	۲۶۱	۱۳/۹۸	۳/۳۹	-۶/۵۳	۵۵۵	۰/۰۰۰	دختر	۲۹۶	۱۵/۶۲	۲/۴۹																																												
بازده خانوادگی	پسر	۲۶۳	۱۵/۹۰	۴/۰۷	-۱/۴۶	۵۷۱	۰/۱۴۶																																																																																
	دختر	۳۱۰	۱۶/۳۸	۳/۷۶				نگرش ضد اجتماعی	پسر	۲۵۹	۱۳/۵۷	۴/۲۳	-۴/۳۳	۵۶۷	۰/۰۰۰	دختر	۳۱۰	۱۵/۰۸	۳/۱۱	گرایش به رفتارهای پزهکارانه	پسر	۲۶۱	۱۳/۹۸	۳/۳۹	-۶/۵۳	۵۵۵	۰/۰۰۰	دختر	۲۹۶	۱۵/۶۲	۲/۴۹																																																								
نگرش ضد اجتماعی	پسر	۲۵۹	۱۳/۵۷	۴/۲۳	-۴/۳۳	۵۶۷	۰/۰۰۰																																																																																
	دختر	۳۱۰	۱۵/۰۸	۳/۱۱				گرایش به رفتارهای پزهکارانه	پسر	۲۶۱	۱۳/۹۸	۳/۳۹	-۶/۵۳	۵۵۵	۰/۰۰۰	دختر	۲۹۶	۱۵/۶۲	۲/۴۹																																																																				
گرایش به رفتارهای پزهکارانه	پسر	۲۶۱	۱۳/۹۸	۳/۳۹	-۶/۵۳	۵۵۵	۰/۰۰۰																																																																																
	دختر	۲۹۶	۱۵/۶۲	۲/۴۹																																																																																			

نتایج آزمون t در جدول شماره‌ی ۶ نشان می‌دهد:

- در بازده اخلاقی، بازده خانوادگی و بازده اجتماعی، بین میانگین دو گروه دختر و پسر تفاوت معناداری وجود ندارد.

- در بازده علمی ($p < ۰.۱$) و ($t = ۵/۰۱$) با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که دختران گرایش بیشتر و مثبت‌تری را نشان می‌دهند.

- در بازده اخلاقی با $t=6/11$ و سطح معناداری $0/000$ دختران بازده تربیتی بهتری را نشان می‌دهند.

- در بازده بهداشتی نیز با $t=-4/87$ و سطح معناداری $0/000$ میانگین نمرات دختران بیشتر از پسران است.

- در نگرش ضد اجتماعی با $t=-4/33$ و $p > 0.01$ میانگین دختران بیشتر از میانگین پسران است؛ یعنی نگرش‌های ضد اجتماعی دختران کمتر از پسران است.

- در گرایش به رفتارهای بزهکارانه نیز $t=-6/53$ و سطح معناداری $0/000$ نشان می‌دهد که پسران گرایش بیشتری به رفتارهای بزهکارانه دارند تا دختران.

۳- بررسی رابطه‌ی میان دینداری و بازده‌های تربیتی دانش‌آموزان

در جدول ۷ ضرایب همبستگی بین شاخص‌های دینداری و بازده‌های تربیتی درج شده است. نتایج این ماتریس نیز برای همه‌ی شاخص‌های دینداری و بازده‌های تربیتی مثبت و معنادار است. سطح معناداری نیز $0/01$ است یعنی با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که این ضرایب همبستگی معنادار است.

بالا بودن ضرایب همبستگی نشانگر رابطه‌ی قوی دو متغیر دینداری و بازده‌های تربیتی است. بدین لحاظ برای بررسی تأثیر شاخص‌های دینداری بر بازده‌های تربیتی از روش تحلیل رگرسیون استفاده شده که نتایج آن در جدول ۷ درج گردیده است.

جدول شماره ۷: ماتریس همبستگی بین شاخص‌های دینداری و بازده‌های تربیتی

بازده‌های تربیتی	دینداری	تقوی	تواضع	پرهیزگاری	مسئولیت‌پذیری	مهربانی	رفتارهای برهنگارانه
عقاید و باورها	۰/۲۳۱**	۰/۲۶۱**	۰/۱۹۵**	۰/۲۸۲**	۰/۲۸۲**	۰/۲۰۹**	۰/۲۲۴**
مناسک واجب	۰/۴۱۴**	۰/۳۷۷**	۰/۳۲۵**	۰/۲۷۲**	۰/۴۸۵**	۰/۲۸۲**	۰/۳۴۵**
مراسم مذهبی	۰/۴۱۱**	۰/۳۴۹**	۰/۳۰۰**	۰/۲۸۳**	۰/۵۱۶**	۰/۲۴۹**	۰/۴۲۱**
پیامد اجتماعی	۰/۴۳۱**	۰/۳۷۰**	۰/۳۵۴**	۰/۲۵۴**	۰/۴۲۵**	۰/۳۳۳**	۰/۳۲۷**
پیامد فردی	۰/۴۹۵**	۰/۴۴۷**	۰/۴۴۰**	۰/۳۳۶**	۰/۵۱۸**	۰/۴۱۳**	۰/۴۴۶**
تجربه دینی	۰/۳۷۴**	۰/۲۷۴**	۰/۲۷۴**	۰/۲۳۷**	۰/۴۰۵**	۰/۲۰۰**	۰/۳۳۸**
هویت دینی	۰/۵۰۴**	۰/۴۰۴**	۰/۳۶۷**	۰/۳۳۲**	۰/۴۸۲**	۰/۲۸۷**	۰/۳۶۲**
شناخت مذهبی	۰/۳۱۱**	۰/۴۴۴**	۰/۴۸۲**	۰/۲۴۰**	۰/۵۷۲**	۰/۱۸۶**	۰/۳۷۴**

تحلیل رگرسیون بازده‌های تربیتی بر اساس شاخص‌های دینداری (روش گام به گام) در این بخش از گزارش به بررسی تأثیر شاخص‌های دینداری بر بازده‌های تربیتی پرداخته می‌شود. هدف از این بررسی مطالعه و تعیین مؤثرترین شاخص‌های دینداری است که بر هر یک از بازده‌های تربیتی تأثیر گذارند.

جدول ۸: خلاصه‌ی نتایج تحلیل رگرسیون برای بررسی تاثیر شاخص‌های دینداری (متغیر وابسته: بازده کل)

Sig	T	استاندارد نشده		متغیرها	
		Beta	خطای معیار		
./۰۰۰	۸/۷۴	-----	۷/۴۵	۶۵/۱۱	مقدار ثابت
./۰۰۰	۶/۰۷	./۳۳	./۳۱۴	۱/۹۱	پیامد فردی دینداری
./۰۰۰	۴/۴۱	./۲۱۸	./۲۸	۱/۲۳	هویت دینی
./۰۰۰	۴/۲۰	./۱۹۸	./۲۵۹	۱/۰۹	شناخت مذهبی
./۰۰۰	۴/۵۲	./۱۹۷	./۴۵۴	۲/۰۵	عقاید و باورها
./۰۰۰	۲/۹۴	./۱۲۸	./۳۳	۰/۹۶	تجربه‌ی دینی
./۰۰۰	۲/۵۶	./۱۴۳	./۲۸۷	۰/۷۳۱	پیامد اجتماعی دینداری
Sig	F	R2 تعدیل شده	R2	همبستگی چندگانه R	
./۰۰۰	۷۷/۴۵	./۵۴	./۵۴	./۷۴	

در جدول ۸ تأثیر شاخص‌های دینداری بر بازده کل مورد بررسی قرار گرفته و مقیاس بازده کل از جمع نمرات آزمودنی‌ها در بازده‌های هشت گانه‌ی تربیتی به دست آمده است. همان‌گونه که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد، شش شاخص دینداری بر بازده‌های تربیتی کل تأثیرگذار بوده‌اند:

- با یک واحد افزایش در اعتقاد به پیامد فردی دینداری ۳۳ درصد بر بازده‌های تربیتی افزوده می‌شود.

- یک واحد افزایش در هویت دینی با ۲۱/۸ درصد افزایش در بازده تربیتی همراه است.

- یک واحد افزایش در شناخت مذهبی با ۱۹/۸ درصد افزایش در بازده تربیتی همراه است.

- یک واحد افزایش در عقاید و باورها با ۱۹/۷ درصد افزایش در بازده کل همراه است.

- یک واحد افزایش در تجربه‌ی دینی با ۱۲/۸ درصد افزایش در بازده تربیتی همراه است.

- یک واحد افزایش در اعتقاد به پیامد اجتماعی دینداری با ۱۴/۳ درصد افزایش در بازده تربیتی همراه است.

مشکلات و محدودیت‌ها

از جمله مشکلات عمده در اجرای این پژوهش تهیه‌ی مقیاسی معتبر و روا بود که به واسطه‌ی آن بتوان هم شاخص‌های دینداری و هم بازده‌های تربیتی را اندازه‌گیری نمود. در خصوص شاخص‌های دینداری تحقیقات چندی صورت گرفته بود ولی در زمینه‌ی بازده‌های تربیتی هیچ مطالعه‌ای یافت نشد. بنابراین، مفهوم پردازی، تعریف عملیاتی و تهیه‌ی پرسشنامه برای سنجش دینداری و بازده‌های تربیتی بسیار مشکل، وقت‌گیر و انرژی‌بر بود. علاوه بر این، جمع‌آوری اطلاعات از دانش‌آموزان مدارس مشکلات خاصی داشت؛ زیرا علاوه بر حساسیت‌های مسئولان آموزش و پرورش و انگشت‌گذاشتن آنان بر روی بعضی از سؤالات، جلب اعتماد دانش‌آموزان برای پاسخگویی به سؤالاتی که اعتقادات و باورهای شخصی آنها را مورد سؤال قرار می‌داد نیز دشواری‌های خاص خود را داشت. علاوه بر مشکلات فوق، این پژوهش با محدودیت‌های زیادی نیز روبه‌رو بود. محدود شدن جامعه‌ی تحقیق به دانش‌آموزان سبب می‌شود که طیف وسیعی از جوانان و نوجوانان از حیطه‌ی تحقیق به دور باشند؛ جوانانی که یا فارغ‌التحصیل شده و یا ترک تحصیل نموده‌اند. همچنین اجرای این تحقیق بر روی بزرگسالان، دانشجویان و یا سایر اقشار جامعه می‌توانست اطلاعات مفیدی را در خصوص وضعیت دینداری و بازده‌های تربیتی فراهم آورد. همچنین نقش بسیاری از عوامل و متغیرها (از جمله نگرش والدین، نوع شیوه‌ی تربیت والدین، میزان مذهبی بودن والدین و الگوپذیری دانش‌آموزان از بزرگترها) به دلیل محدودیت‌های موجود (محدودیت‌های زمانی، محدودیت در هزینه‌ها و...) مورد بررسی قرار نگرفت.

پیشنهادها

باتوجه به تحلیل‌های انجام شده پیشنهاد می‌شود:

گرچه دانش‌آموزان مورد بررسی از نظر دینداری و بازده‌های تربیتی در وضعیت مناسبی قرار دارند ولی همچنان در شیوه‌های تربیت دینی و اخلاقی دقت نمود و با شناخت صحیح روحیه‌ی جوانان گام‌های اساسی و مهمی در جهت ارتقای سطح تربیت دینی آنان برداشت. برای بهبود وضعیت جوانان باید در جریان تدریس، تربیت، تفریح با استفاده از ابزارهای نوین فرهنگی و هنری نسبت به جذب و تربیت آنان همت گماشت. در این میان تحول در ویژگی‌های معلمان و روحانیان ضروری می‌نماید. لذا وجود الگوهای عملی و اخلاقی مناسب جهت هدایت جوانان بسیار مهم است. همچنین آنان باید احساس نمایند که در جامعه رها نیستند و برای مبارزه با مشکلات زندگی از حمایت افرادی متدین و خیرخواه برخوردارند. این موضوع دقیقاً ضرورت وجود تشکلهای مذهبی، فرهنگی، علمی و... را آشکار می‌سازد تا از آن طریق بتوان ضمن هویت بخشی به جوانان، احساس تعلق و دلبستگی و حمایت اجتماعی را نیز بهبود بخشید. علاوه بر موارد بالا پیشنهاد می‌گردد در طرح‌های آتی سؤالات زیر مورد بررسی قرار گیرد:

- بررسی گردد که چرا نوجوانان و جوانان در بعضی از شاخص‌های دینداری (مثل بعد عقاید و باورها) بسیار قوی‌تر از شاخص‌های دیگر (مثل شناخت مذهبی) نشان می‌دهند؟

- بررسی گردد که چرا در بین بازده‌های تربیتی، بازده اجتماعی باید رتبه‌ی نازل‌تری

نزد جوانان داشته باشد؟

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن منظور (۱۹۹۶م)؛ *لسان‌العرب*؛ چاپ جدید، بیروت.
- ۳- اسمارت، نینیان (۱۳۸۳)؛ *تجربه‌ی دینی بشر*؛ ترجمه‌ی مرتضی گودرزی؛ ج ۱، تهران: سمت.
- ۴- الیاده، میرچا (۱۳۷۵)؛ *دین پژوهی*؛ ترجمه‌ی بهاء‌الدین خرماشاهی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم.
- ۵- روح‌اله الموسوی خمینی (۱۳۷۸)؛ *صحیفه‌ی امام*؛ مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران: چاپ اول.
- ۶- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)؛ *تحول فرهنگی در جامعه‌ی پیشرفته‌ی صنعتی*؛ ترجمه‌ی مریم وتر؛ تهران: چاپ اول، انتشارات کویر.
- ۷- بیتس و پلاگ (۱۳۷۵)؛ *انسان‌شناسی فرهنگی*؛ ترجمه‌ی محسن ثلاثی، انتشارات علمی. چاپ اول.
- ۸- پترسون. م و دیگران (۱۳۷۷)؛ *عقل و اعتقاد دینی (درآمدی بر فلسفه‌ی دین)*؛ ترجمه‌ی احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران: انتشارات طرح‌نو.
- ۹- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۵)؛ *جامعه‌شناسی در ادیان*؛ بهاباد، یزد: چاپ اول.
- ۱۰- حجتی، سیدمحمدباقر (۱۳۶۸)؛ *اسلام و تعلیم و تربیت*؛ چاپ چهاردهم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۱- دورکهایم، امیل (۱۳۷۱)؛ *صورت‌های ابتدایی حیات دینی*؛ ترجمه‌ی همایون همتی، *کیهان فرهنگی*، شماره‌ی ۹۴.
- ۱۲- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۷)؛ نگرش و رفتار دینی نوجوانان تهرانی؛ *فصلنامه‌ی نمایه‌ی پژوهش*، شماره‌ی ۷ و ۸.
- ۱۳- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۳)؛ باورهای دینی در میان جوانان و نوجوانان، *مجله‌ی فرهنگ و پژوهش*، شماره‌ی ۱۶۹، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۴- سرمدی، محمود (۱۳۸۰)؛ *واژگان پژوهی قرآنی*؛ قم: نشر الهادی.

- ۱۵- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۲)؛ *فربه‌تراز ایدئولوژی*؛ تهران: انتشارات صراط.
- ۱۶- سلیمی، علی (۱۳۷۹)؛ دین، کجروی و کنترل اجتماعی، *فصلنامه‌ی حوزه و دانشگاه*، شماره‌ی ۲۲.
- ۱۷- سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۰)؛ *روان‌شناسی پرورشی*؛ ویرایش پنجم، تهران: انتشارات آگاه.
- ۱۸- شعرانی، ابوالحسن (۱۳۵۵)؛ *نشر طوبی*، تهران: چاپ اسلامی، بی‌تا.
- ۱۹- شکوهی، غلامحسین (۱۳۷۴)؛ *تعلیم و تربیت (کانت)*؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ چهاردهم.
- ۲۰- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۶۲)؛ *خلاصه‌ی تعالیم اسلام*؛ نشر کعبه.
- ۲۱- فنایی، ابوالقاسم (۱۳۷۵)؛ *درآمدی بر فلسفه‌ی دین و کلام جدید*؛ تهران: نشر اشراق.
- ۲۲- کمال‌المنوفی (۱۳۷۵)؛ *اسلام و توسعه مؤسسه‌ی پژوهش‌های اجتماعی*؛ تهران: انتشارات بینش.
- ۲۳- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)؛ *جامعه‌شناسی*؛ ترجمه‌ی منوچهر صبوری‌کاشانی، تهران: نشر نی.
- ۲۴- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۶۸)؛ *آموزش عقاید*؛ جلد اول، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۲۵- (۱۳۷۶-۷۷)؛ *معرفت دینی، کتاب نقد*؛ شماره‌ی ۵ و ۶.
- ۲۶- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)؛ *مجموعه آثار*؛ جلد دوم، قم: انتشارات صدرا.
- ۲۷- ملکیان، مصطفی (۱۳۷۵)؛ *مجله‌ی نقد و نظر*؛ سال دوم، شماره‌ی دوم.
- ۲۸- ویلم، ژان‌پل (۱۳۷۷)؛ *جامعه‌شناسی ادیان*؛ ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی، چاپ اول، انتشارات تبیان.
- ۲۹- هیک، جان (۱۳۷۲)؛ *فلسفه‌ی دین*؛ ترجمه‌ی بهرام‌راد، نشر الهدی، چاپ اول.

Refrence

- Moore, A. Carrier (2002). Faith does affect behavior, Religion & ethics, desert news. com
- Smith, Christian (2004). National study of youth and Religion, university of north california, chapter Hill. WWW.youth and religion.org





شروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی